

# زیبایی شمشیربازی را در Cyrus of Chaos ببینید

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۳۹۹/۶/۸)

برخی از چهره های شمشیربازی با ارزش تر از آنچه به نظر می رسد هستند، و یکی از این چهره ها **اندرو فیشل** است که برای اکثر ما با عنوان Cyrus of Chaos شناخته شده است.



به اطلاع کسانی که نمی دانند می رسانم که Cyrus of Chaos یک منبع اصلی با ارزش برای شمشیربازی در یوتیوب می باشد. من سال ها در این کانال عضو هستم، و فیلم ها و تجزیه و تحلیل های شمشیربازی او منبع فوق العاده ای برای دانش شمشیربازی من بوده است. تجزیه و تحلیل آنها عمیق و متفکرانه هستند، و بر خلاف سایر منابع دیگر می باشد. آن برای بسیاری از شمشیربازها به عنوان یک مأخذ باارزش عظیمی تبدیل شده است.

در چند ماه گذشته، کانال به طرز شگفت انگیزی اصلاح و بهبود پیدا کرده است و دربرگیرنده آنالیز مربیان شمشیربازی، شمشیربازی های بزرگ، و حتی گاهی اوقات از خود بازیکنان دعوت می شود تا خودشان بازی خود را تجزیه و تحلیل کنند. آن یک کانال نیروزا، شگفت انگیز، خیره کننده و باشکوه می باشد.

این یک منبع مثبت برای درک سطوح بالاتر شمشیربازی است که برای اهمیت آن نمی توان حدی تعیین کرد، به خصوص در این دوره همه گیری کورونا، که مجبور به ابتکار عمل هستیم و وقت خودمان را بیشتر و بیشتر با صفحه های مانیتور می گذرانیم. Cyrus of Chaos ترکیبی کامل از اعضای قدرتمند، با تجربه و واقعی جامعه شمشیربازی را به ما ارائه می دهد که می دانند شمشیربازی چیست، ضمن اینکه جو کلی آن آمیخته با جوانی و ترفندهای خلاقانه می باشد.

در این مصاحبه ما اطلاعات بیشتری درباره مرد پشت پرده Cyrus of Chaos می آموزیم، از جمله اینکه چگونه اندرو به این نتیجه رسیده است که چنین منبع ابتکاری فوق العاده را راه اندازی کند. برخی از پاسخ های او شما را شگفت زده خواهد کرد، و خواندن همه مصاحبه شما را به خوبی روشن خواهد کرد.

اگر قبلاً در کانال Cyrus of Chaos یوتیوب عضو نشده اید، همین الان و بدون معطلی عضو شوید!

شما اولین سلبریتی مشهور شمشیربازی در یوتیوب هستید.

بله. حدس می زنم باشم.



بله، خوب متأسفانه یک حقیقت غمناک در شمشیربازی وجود دارد. اینکه وقتی از حباب کوچک خود بیرون می آید، می بینید که این ورزش یک ورزش بسیار کوچکی است.

بله، دنیای شمشیربازی خیلی کوچک است.

من یک هوادار پروپاقرص شما هستم. اما نمی توانم بگویم که هر ویدئویی که منتشر می کنید را تماشا می کنم.

بله؛ فیلم ها خیلی زیاد هستند.

زمان زیادی مورد نیاز است. وقتی به تعمق در موضوعی نیاز داشته باشم، شما دایره المعارف شمشیربازی من برای آموزش هستید. به ویژه، از زمانی که با این واقعیت روبرو شدم که در این دوره همگیری کورونا شما وقت فراوانی صرف تجزیه و تحلیل های با کیفیت بسیار زیادی می کنید. من عاشق کار شما شدم.

این یک فرصت واقعاً خوبی بود، زیرا در گذشته من این نوع تجزیه و تحلیل ها را بصورت حضوری با افراد انجام می دادم. در مسابقات قهرمانی کشور یا بعضی اوقات من با برخی از دوستان هنگام صرف شام درست کنار یکدیگر در مقابل یک کامپیوتر می نشستیم. نکته جالب در مورد این بیماری این است که آن باعث شده است که همه افراد وقت آزاد بسیار فراوانی داشته باشند، ضمن اینکه همه شروع به استفاده از برنامه Zoom کرده اند. بدین ترتیب من این فرصت را پیدا کردم که دقیقاً بفهمم چطور می توانم این کار را انجام دهم. این بسیار مفید بود زیرا هیچ کس دیگر در حال تمرین نبود، همه بازیکنان برتر اوقات فراغت داشتند و همه خوشحال هستند که در مورد شمشیربازی صحبت کنند. ما می توانیم بگویم که این یک **همگرایی خوب در استفاده بهینه از شرایط** بود.

من دوست دارم تکرار کنم که شما تنها سلبریتی معروف شمشیربازی در یوتیوب هستید. بیاید ابتدا از آغاز و مسیر جالب شما در شمشیربازی صحبت کنیم.

خانواده من تنیس باز هستند. پدرم در دوران بچگی خود مجبور بود با پدرش برای مشارکت در مسابقات به سفر برود و این برای او یک تجربه عالی بود. او همیشه آرزو داشته است که یک پسر یا دختری داشته باشد که بتواند همین کار را با او انجام دهد. وقتی داشتم بزرگ می شدم، مرا وادار به بازی تنیس کردند، اما این بسیار ناراحت کننده است که همه افراد خانواده بخواهند که شما کاری که دوست ندارید را انجام دهید. "خوب، حالا بیا روی سرویس زدن کار کنیم. بیا باهم بک هند کار کنیم. بیا بریم تنیس بازی کنیم." شما به عنوان یک بچه بیشتر دوست دارید روی کاناپه دراز بکشید و تلویزیون تماشا کنید یا با دوستان خود بازی کنید. بنابراین من به نوعی در برابر کار آنها مقاومت می کردم. بعد به من گفته شد که، "شما باید ورزش های دیگر را امتحان کنید." بنابراین، فوتبال، چوگان و بسکتبال را امتحان کردم، و واقعاً به هیچ یک از آنها اشتیاق پیدا نکردم.



اندرو فیشل در حال بازی در مسابقات NCAA

در طی این مدت من به نوعی به شمشیربازی علاقمند شدم، زیرا آن یک ورزش گمنام بود که هیچ کس مرا وادار به امتحان کردن آن نکرده بود و هیچ کس در خانواده ام از آن چیزی نمی دانست. به یک معنا، دلیل وارد شدن من به شمشیربازی مبهم بودن آن بود. من فکر می کنم اولین کلاس خود را در کلاس دهم دبیرستان شروع کردم، و تا اواسط کلاس یازدهم در هیچ کلاس آموزشی دیگر شرکت نکردم. در واقع من مانند سایر شمشیربازها توسط دانشکده ها جذب نشدم، اما شخصی که در اولین کلاس شمشیربازی به من تدریس می کرد، بروس گیلمن بود که مربی واسار می باشد. او پیشرفت مرا در مدت یک سال آغازین مشاهده کرد و او اصلی ترین فردی بود که مرا تشویق کرد. در اینجا بود مدرسه رفتنم به پایان رسید.

**من فکر نمی کنم امروزه کسی که شمشیربازی را این قدر دیر شروع بکند، فرصتی برای بورسیه گرفتن داشته باشد، اما خدا را چه دیده اید!**

بله. مسئله این است که وقتی دیر شروع می کنید، دیگر فرصتی برای کسب تجربه فراوان مثل بقیه افراد را ندارید، از طرف دیگر من نیز مجبور نبودم شیوه رقابت را یاد بگیرم یا بدنم را مانند سایر مبتدیان کنترل کنم. زیرا من از قبل می دانستم که چگونه باید برنده شوم و چگونه می توانم سخت بجنگم. بنابراین تنها کاری که باید انجام می دادم این بود که آنچه در سایر ورزش ها آموخته بودم در شمشیربازی پیاده کنم. من تنها نیاز داشتم که شمشیربازی را بیاموزم، نیاز نداشتم که نحوه کنترل بدنم را یاد بگیرم.

یعنی شیوه ورزشکار بودن را بلد بودید.

دقیقا.

شما با وجود اینکه دیر شروع کرده بودید ولی موفق شدید. شما موفق شدید به حد تیم های بین المللی برسید. و به عضویت تیم ملی بزرگسالان درآمدید. این چه طور ممکن بود؟

خوب، من فکر می کنم وقتی دیرتر شروع می کنید، نسبت به سن جوانی آگاهی شناختی بیشتری دارید. هر وقت یکی از مربیانم به من چیزی می گفت، از خودم می پرسیدم، "خوب چرا من این کار را می کنم، چرا من به جای آن این کار انجام ندهم؟" من فکر می کنم که "چرا" بسیار مهم تر از "چه چیز" یا "چگونه" می باشد. اگر بتوانید **دلیل انجام کاری را درک کنید**، درون سازی آن بسیار ساده تر است. علاوه بر آن، می دانستم که خیلی دیرتر از دیگران شروع کرده ام.

## اهمیت تجزیه و تحلیل های ویدیویی



اندرو فیشل در حال فیلمبرداری برای کانال **Cyrus of Chaos** خود می باشد. آیا می توانید او را در پس زمینه تصویر مشاهده کنید؟

استراتژی من تماشای هر چه بیشتر فیلم در حد ممکن بود و سعی کردم بفهمم افراد در این فیلم ها چه کاری انجام می دهند، تا آن را مدل سازی و در بازی خودم تکرار کنم. قبل از اینکه شمشیربازی کنم، من واقعاً در یک بازی ویدیویی به نام **Super Smash Brothers Melee** واقعاً استاد شده بودم و آن به نوعی شبیه همین موضوع بود. در دبیرستان کسی بود که تمام وقت مرا می برد. بنابراین من به اینترنت رفتم و فیلم های افرادی را پیدا کردم که بازی سطح بالایی در مسابقات انجام می دادند، آنها را تماشا کردم و **سعی کردم بفهمم که چه کاری انجام می دهند** و بعد تلاش کردم که خودم همان کارها را انجام دهم. مدتی نگذشت که این شخص را شکست دادم و راهم به مسابقات باز شد و پیروزی هایی هم به دست آوردم. وقتی که شمشیربازی را شروع کردم، فکر می کردم قبلاً چنین کاری را انجام داده ام، پس چرا سعی نکنم این کار را در اینجا هم انجام دهم؟ مشکل این بود که وقتی بصورت آنلاین به اینترنت مراجعه می کردم تقریباً هیچ فیلمی وجود نداشت. بنابراین پدر من پیشنهاد کرد: "اگر فکر می کنید راه بهبود تماشای فیلم های شمشیربازی است و هیچ فیلمی در دسترس نیست، بنابراین دوربین را بردار و خودت برو و فیلم برداری کن." و آغاز راهم از اینجا شروع شد.

این یک داستان عالی است. شیوه شما برای توضیح دادن به فردی که در تجزیه و تحلیل ویدیو تازه وارد است، کسی که تازه به کانال شمشیربازی در اینترنت ملحق شده است، و تازه با کانال شما آشنا شده است، چیست؟ آنها چگونه قرار است فیلم ها را تماشا کنند؟



از نظر من این به هدف شما بستگی دارد. اگر می خواهید یک بازی را تماشا کنید تا اینکه بفهمید چه اتفاقی در حال افتادن است، این با تلاش برای فهمیدن چگونگی انجام کاری که شخصی دوست دارد آن را زیاد انجام دهد، متفاوت است. به عنوان مثال وقتی من در حال تماشای یک بازی سابر هستم، من واقعاً به قدم هایی که شخص درست در ابتدای حرکت انجام می دهد، و لحظه دقیقی که شخصی کنش را انجام می دهد، توجه دقیقی می کنم. آیا آن خیلی زود شروع شده است، یا دیر. من برمی گردم و آن لحظه را چندین بار از چندین منظر متفاوت تماشا می کنم. یک بار، هنگامی که شمشیربازها بصورت نزدیک حرکت می کنند، روی فاصله بین آنها دقت کنید. سپس وقتی دیدید که حرکت فریب عمل کرد و آن فرد کم آورد، به عقب برگردید و از منظر فردی که حرکت را انجام داده است تماشا کنید، و سپس دوباره به عقب برگردید و آن را از منظر شخصی که تحت تأثیر این حرکت قرار گرفته است تماشا کنید. شخص سمت راست ممکن است از این فاصله، الگوی کارپای خاصی را انجام دهد و این کار را در زمانی که پای عقب فرود می آید، به عنوان مثال درست قبل از شروع حمله، انجام نمی دهد. وقتی مجموعه ای از فیلم ها را با همین روش مشاهده کنید، شما شروع به دقت روی سازه های حرکتی می کنید. وقتی شروع به توجه به سازه ها می کنید، به این تجربه می رسید که آن شمشیربازها این کارها را سریع تر از شما انجام می دهند.

یک مثال می تواند در زمان اجرای یک حرکت فریب باشد. حریف ممکن است فکر کند که او می تواند با حمله به شما ضربه بزند، بنابراین شما درست همان زمانی که پای عقب حریف در قدم جلو فرود می آید، فریب را اجرا کنید. به دلایلی اگر به عقب برگردید و به فیلم های فریب زیادی نگاه کنید، جایی که حریف کم می آورد، خواهید دید که این کار درست در آن زمان اتفاق می افتد. من سازه های اینچینی زیادی را تماشا کردم و وقتی مطمئن شدم موقع بازی به خودم می گفتم، "خوب، من باید همین کار بکنم، بنابراین تا جایی که بتوانم باید زمان را پر کنم تا وقتی این فرد قصد زدن ضربه به من بکند و وقتی پای عقبش بخواهد به زمین بخورد من این کار را می کنم." من حرکت فریب را انجام دادم و خوب هم عمل کرد. پس چرا نباید دوباره آن را انجام دهم؟ این کار برای آن افراد جواب داده بود، و اگر آنچه را که می گذرد خوب بفهمم، از نظر تئوری باید برای من نیز مناسب باشد. این روند فکری من برای تجزیه و تحلیل بازی ها است.

برای تجزیه و تحلیل حرکت خاصی مانند شگرد یک شخص، اولین کسی که در حال انجام یک حرکت واقعاً منحصر به فردی که دوست داشتم دیدم، نیکلاس لویز بود. ضدحمله او برای من واقعاً جالب بود. من شش یا هفت حرکت از این کونتراتک ها را در یک بازی دیدم که بدون در نظر گرفتن سیستم سنتی که فکر می کردم باید آنطور باشد، اجرا می کرد. از نظر من، ضدحمله را این گونه درک کرده بودم که حریف می بایست به تعقیب شما بپردازد. و هر زمان که او احساس کرد که واقعاً ضربه را باید زد، این همان زمانی است که باید به او ضد حمله کنید. اما او چنین کاری نمی کرد. او ابتدا یک نوع حرکت فریبی را نشان می داد و پس از آن با تمپو ضدحمله می کرد. افراد معمولاً در مواقع معینی انتظار ضدحمله

را دارند، و او این قانون را به هم زده بود و در لحظه ای ضدحمله می کرد که انتظار آن را نداشتند. شاید این کار را کمی زود انجام می داد، یا نهایتاً او از ضدحمله برای از کار انداختن برنامه حریف استفاده می کرد. اولین ویدیوی تلفیقی که تا به حال ساخته ام همین بود، که من تمام ضدحمله هایش را از یک تورنمنت گرفتم و همه آنها را در کنار یکدیگر قرار دادم تا بتوانم همه آنها را پشت سر هم تماشا کنم و آن را واقعاً واضح ببینم. بعد از آنکه فهمیدم که او چه کاری انجام می دهد، شروع به اضافه کردن آن به بازی خودم کردم و فهمیدم که من هم می توانم این کار را بکنم. دوباره تکرار می کنم، **اگر شما بفهمید که فرد مقابل در حال انجام چه کارهایی هست، و اگر دلیل آن را بدانید، می توانید آن حرکت را در بازی خود پیاده کنید.** این ذهنیت من برای انجام این کار بود.

**تمام آن فیلم ها، فیلم های اولیه، فیلم هایی بودند که خود شما ضبط می کردید؟**

بیشتر اوقات. اما در ابتدای کار پدر من نیز برای ضبط آنها بسیار کمک می کرد. سپس بعد از المپیک ۲۰۰۸، من یک سری از منابع تصویری را به دست آوردم، بنابراین بیشتر آنچه در شروع کار کانال تماشا می کردم فیلم های المپیک بود. اگر می خواهید نحوه نقاشی را یاد بگیرید، مستقیم به نقاشی های پیکاسو مراجعه کنید، متوجه شدید منظورم چیست؟

**خوب، البته اگر پیکاسو را دوست داشته باشید.**

(صدای خنده) بله، البته.

**بنابراین، در ابتدای کار شما فیلم های بازی های المپیک را از تلویزیون می گرفتید.**

از کانال NBC بود. آنها همه بازی ها را در کانال خود داشتند، بنابراین من آنها را کپی کردم و آنها را روی رایانه خود قرار دادم، و آنها را برش دادم. مربی من، مایک اتروپوسکی، مقدار زیادی از این کار را انجام داد. ما آنها را برای مدت طولانی در کانال خودم بارگذاری کرده بودیم، اما بعداً قانون کپی رایت تغییر کرد و آنها متأسفانه آن فیلم ها را برداشتند. خوشبختانه هنوز تعداد زیادی فیلم وجود دارد، بنابراین از دست دادن آن چیزها به اندازه گذشته ویرانگر نیست، اما آن به نوعی برای من آزار دهنده بود.

**فهمیدم و واقعاً جای تأسف دارد. اما اکنون، به وضوح دیده می شود که کارها تنها توسط خودتان انجام می شود. اکنون منبع همه فیلم های شما چیست؟**

## کمک علاقمندان به کانال ویدیویی **Cyrus of Chaos**



اکنون وقتی به مسابقات قهرمانی کشور می روم وقت زیادی برای فیلمبرداری ندارم، اما خوشبختانه افراد زیادی هستند که در موقعیتی قرار دارند که می توانند به من کمک کنند، آنها همان افرادی هستند که مدت هاست فیلم های مرا تماشا می کنند و با کمال میل به کمک علاقمند هستند. من قبل از هر مسابقاتی همیشه در صفحه اینستاگرام خود آگهی می دهم که به دنبال افرادی هستم که بتوانند به من کمک کنند تا بازی ها را فیلمبرداری کنم. افراد همیشه به من مراجعه می کنند و می پرسند "من می خواهم کمک کنم، چه چیزی را می توانم فیلم بگیرم؟" من از آنها دو کار می خواهم، به آنها می گویم که این کار را با تلفن خود انجام دهند و سپس آنها را برای ضبط کردن برای من ارسال کنند. در پایان روز فیلم ها برای من ارسال می شود. بنابراین این کار تنها مربوط به من نمی شود بلکه یک **کار گروهی** است.

یعنی یک نوع همکاری دسته جمعی است.

دقیقاً، و من از آنها بسیار سپاسگزارم. نکته اساسی این است که ما نمی خواهیم لحظات مهم این مسابقات را از دست بدهیم. من نمی توانم همه جا باشم. حتی وقتی داوری نمی کردم. من از همه افرادی که به من کمک کرده اند بسیار سپاسگزارم.

بازی های زیادی وجود دارد. مسابقات عالی بسیاری وجود دارد. شما بدیهی است که شما وقت ندارید که همه آنها را تجزیه و تحلیل کنید. آیا شما فکر نمی کنید که برای هواداران بهتر باشد که نه تنها فیلم ها را تهیه کنند بلکه در تجزیه و تحلیل آنها نیز کمک کنند؟

این کار جالب خواهد بود. یکی از دلایلی که من برای انجام تجزیه و تحلیل هر بار شخص مختلفی در کانال خودم دارم این است که هرکس در مورد یک حرکت نظر متفاوتی دارد. ممکن است شما کاملاً با موضوعی که جان نورمیل در یک بازی ایه مطرح می کند کاملاً بفهمید اما نقطه نظر و طرز فکر تالیارو را به هیچ وجه نفهمید. یا برعکس. واقعاً مهم است که تنها از یک نفر برای این کار کمک نگیرید، بلکه یک طیف گسترده ای از افراد را داشته باشید.



## مسیر رو به جلوی **Cyrus of Chaos**

فکر می کنید کانال شما تا کجا خواهد رفت؟ هدف شما چیست؟

سناریوی رویایی من این است که بتوانم برای انجام این کار تمام وقت، درآمدی داشته باشم، و توانایی پرداخت هزینه سفر بیشتری را نیز داشته باشم تا بتوانم به مسابقات بیشتری بروم و فیلم های بیشتری برای کانال بگیرم. اگرچه در حال حاضر این یک خیال واهی است زیرا که در بهترین

ماه های کار، من حتی برای پراخت بلیط هواپیما به اندازه کافی پول ندارم. این کاری نیست که من بتوانم بدون حامی مالی در آینده ادامه دهم. سناریوی ایده آل من در آینده این است که بتوانم از کانال یا تنها از برند خودم درآمدی کسب کنم که به نوعی بتوانم هزینه خودم را بپردازم. و بعد شاید بتوانم حق الزحمه افرادی را که به من کمک می کنند نیز پرداخت کنم. این خیلی خوب خواهد شد.

اساساً بیشتر پولی که می گیرید از طریق تبلیغات یوتیوپ است.

در این مرحله، کاملاً درست است.

اما شما هنوز هم دارید این کار را انجام می دهید. فکر می کنم - ده، یازده سال شده است؟

اولین ویدیویی که من گذاشتم مربوط به سال ۲۰۰۷ بود.

اوه، حتی بیشتر. سیزده سال. این خیلی زیاد است. برای کاری که هیچ درآمدی ندارد. ولی، خوب، در حال حاضر همه نام شما را به رسمیت می شناسند. منظورم این است که بیشتر مردم شما را با نام **Cyrus** (کوروش) می شناسند. من فکر می کنم همه در شمشیربازی از نوجوان ها گرفته تا رده های بالاتر شما را می شناسند.



در ابتدا این کاری بود که من برای خودم شروع کردم تا به سازماندهی مجموعه فنی خودم کمک کنم. نه تنها برای خودم بلکه آن را هم منتشر می کردم تا افراد دیگر نیز بتوانند از این فیلم بهره برداری کنند. اکنون که در شمشیربازی بازنشسته شده ام و هدف من دیگر این نیست که از این فیلم ها برای بهبود بازی خودم استفاده کنم، هدفم این شده است که به دیگران این فرصت را بدهم که با تماشای فیلم ها همان کاری که من انجام دادم آنها نیز انجام دهند و با تماشای فیلم ها بازی خود را بهبود بخشند. همیشه شنیدن صحبت کسی که می گوید که ترقی بازی او به دلیل الهام گرفتن از فیلم های من بوده است، برای من خیلی جالب است. قهرمان جوانان اروپا چند ماه پیش به من پیام داد تا همین را به من بگوید. این بازخوردها واقعاً قلب من را گرم می کند که آنچه من انجام می دهم چنین تأثیر مثبتی بر چنین گروه بزرگی از مردم دارد.

قطعاً همین طور است. شما با یکی از این افراد دارید صحبت می کنید.

بله. خوشحالم.

**چطور توانستید در این همه سال کانال را این قدر شاداب و استوار نگهدارید؟**

واقعاً به این دلیل است که این ورزش را خیلی دوست دارم. من فکر می کنم که من از دیدن این میزان تفاوت های دقیق و ظریف هنگام تماشای بازی های سطح بالا لذت می برم. برقراری چنین ارتباط با افرادی که دکترا در شمشیربازی ندارند، کار سختی است، اما هدف من از راه اندازی



کانال اینستاگرام قرار دادن فیلم های کوتاه می باشد تا افرادی که اطلاعات زیادی در مورد شمشیربازی ندارند، بتوانند ببینند و لذت ببرند. به نظرم اینستاگرام از این نظر برای من یک تغییر دهنده بازی بوده است. زیرا می توانم به مخاطبان گسترده تری دسترسی پیدا کنم. من می توانم مطالب را راحت تر بسازم. خوشبختانه، این باعث جلب توجه افراد غیر شمشیرباز به این ورزش نیز شده است.

## معرفی شمشیربازی به توده مردم

من هیچ جوابی ندارم. من مانند شما فکر می کنم، همه چیز مربوط به آموزش می شود. شما واقعا یک مدرس هستید. شما آمریکا را در دو دهه اخیر از منظر شمشیربازی چگونه می بینید؟

من می دانم که شمشیربازی قطعاً در حال رشد است. من می دانم که مردم این نوع طرز فکر کهنه را دارند که شمشیربازی یک ورزش باستانی است که مبتنی بر افتخار و شرافت یا چیزی مشابه این می باشد، اما اینگونه نیست. من فکر می کنم از سال ۲۰۱۲ جامعه شمشیربازی ما از بیست هزار نفر به چهل هزار نفر افزایش یافته است. این ورزش قطعاً در حال رشد مداوم است.

ما مشکلی در مورد گزارشگران و مفسران شمشیربازی داریم. وقتی مشغول گزارش مسابقات لیگ بودم، فردی که با من گزارش می کرد تقریباً هیچ چیز در مورد شمشیربازی نمی دانست، اما او کاملاً خوب نظر می داد. وقتی چیزی راجع به شمشیربازی عنوان می کردم، او می گفت "من اصطلاحی را که شما از آن استفاده کردید کاملاً نمی فهمم. آیا می توانید توضیح دهید که این به چه معنی است؟" این خوب بود، زیرا گاهی اوقات به عنوان کسی که اطلاعات زیادی در مورد چیزی دارید، مطمئناً برخی مطالب را عنوان می کنید که کسی که از آن دانش اطلاعاتی ندارد، نمی فهمد. وجود او در آنجا خیلی مفید بود زیرا با توضیح دادن درباره مسائلی که نمی دانست متوجه می شدم که در میان گذاشتن این مطالب با مخاطبان به طور کلی برای شمشیربازی خوب است. زیرا عموماً تماشا کنندگان برنامه تلویزیونی ما تنها شمشیربازها نیستند، بلکه والدین و بستگان نیز هستند. من فکر می کنم این نوع سبک بسیار بهتر از داشتن دو نفر بسیار آگاه در اطاق گزارش و تفسیر می باشد.

این یک پیشنهاد عالی است. جفت کردن یک گزارشگر ورزشی با کسی که شمشیربازی را خوب می فهمد که بتواند به صورت غیر مستقیم با او صحبت کند خیلی عالی خواهد بود.

باز هم گاهی اوقات چیزی را بدون فکر کردن می گفتم و او می گفت که آن را درک نمی کند، بنابراین من به خودم می گفتم، "خوب اگر شما آن را درک نکنید، بینندگان احتمالاً هم آن را درک نخواهند کرد."



مسابقات را چگونه در کانال هایی مانند ESPN گزارش و تفسیر می کنید؟

این اولین باری بود که این کار را برای ESPN انجام می‌دادم. من آن سال در مسابقات جهانی حضور داشتم و این اولین بار بود که گزارش زنده ای را انجام دادم. آن بازی های متنوعی از مسابقات قهرمانی جهان بود. چند ماه بعد، مجدداً این کار را در مونترال در مسابقات جام جهانی ساپر بانوان انجام دادم. در مجموع من این کار را سه بار انجام داده ام - دو بار برای FIE و یک بار برای ESPN. من امیدوار بودم که دوباره این کار را انجام دهم یا در مسابقات جهانی جوانان یا قهرمانی کشور، اما متأسفانه هردوی آنها به دلیل کرونا لغو شدند.

**بالاترین رویای شما چیست؟ رفتن به بازی های المپیک و گزارش مسابقات بازی های المپیک؟**

این خیلی جالب خواهد بود. منظور من این است که من در حال حاضر سعی می‌کنم لیسانس ساپر FIE را بگیرم، بنابراین اگر بتوانم در المپیک هم داوری کنم که خیلی جالب تر خواهد شد، اما برای سال ۲۰۲۱ من تصمیم دارم در آن بازی ها گزارش کنم. البته با فرض بر اینکه این بازی ها برگزار شوند.

## از فیلم های شمشیربازی تا ورزش شمشیربازی



جام جهانی ساپر آقایان آتن

**چرا ساپر؟ وقتی شمشیربازی را با فلوره شروع کردید، چرا ساپر را انتخاب کردید؟**

وقتی به سه سلاح نگاه می‌کردم، و با توجه به پیشینه ذهنی خودم درباره شمشیربازی سنتی، دزدان دریایی را تصور می‌کردم که سعی داشتند به یکدیگر ضربه بزنند و دفاع های متعددی را بگیرند. درست مانند آنچه در فیلم **عروس شاهزاده خانم** می‌بینید. در چنین فیلم هایی شما همیشه سلاح های برشی را می‌بینید، بنابراین وقتی که من سه سلاح را بررسی کردم، دوست داشتم با شمشیر ساپر بازی کنم.

**این فیلم ها بودند که شما را در انتخاب ساپر تحت تأثیر قرار دادند.**

همه عروس شاهزاده را دیده اند. در واقع تنها به این دلیل نبود، اما من می‌دانستم که موضوع آن را دوست دارم و به آنچه دیده بودم فکر می‌کردم. تنها فیلمی که دیده ام که دارای شمشیربازی بود اما ساپر نبود، Parent Trap بود. یادت هست وقتی لیندسی لوهان خودش در فیلم شمشیربازی کرد؟ آن فلوره بود، اما من فکر می‌کنم هر بار که من روی صفحه بزرگ سینما شمشیربازی دیده ام، ساپر بوده است.

**آن طور که گفتید، فکر می‌کنم این سلاح اول شما بوده است.**

برای کسی که هیچ تجربه ای در مورد شمشیربازی ندارد، هنگام صحبت در مورد شمشیربازی یا در مورد آن فکر می کند، سابر اولین چیزی است که به ذهن او خطور می کند. بنابراین مطمئناً این همان چیزی بود که در ذهن من جریان داشته است. و پس از بررسی هر سه اسلحه، من به خودم گفتم، "این همان رشته ای است که می خواهم انجام دهم."

من انتظار جواب متفاوتی برای بیان حقیقت داشتم. من انتظار داشتم که شما بگویید که چون دیر شروع کردید و یک ورزشکار کاملی بودید.

شما از دید یک مربی که چیزهای زیادی در مورد این ورزش می داند، در مورد آن فکر می کنید. من چیزی درباره این ورزش نمی دانستم. وقتی اولین سلاح را در دست خود گرفتم، هدف من این نبود که عضو تیم ملی بشوم. تنها فکری که من کردم این بود که این یک ورزش جالبی است و خواستم آن را امتحان کنم. با گذشت زمان من به پیشرفت خود ادامه دادم، و هدفم تغییر کرد.

## بازی در برابر کسانی که از آنها تقلید می کردید



جام جهانی سابر منهن

### چه زمانی اهداف شما بلند پروازانه تر شد؟

نمی دانم که لحظه دقیقی وجود داشت یا خیر. من واقعاً نمی توانم یک زمان معینی را مشخص کنم. من به یاد دارم وقتی که برای اولین بار برای شرکت در جام جهانی گزینش شدم برای کنترل اسلحه در صفی ایستاده بودم که بازیکنی مثل نیکلاس لویز حضور داشت و کل تیم فرانسه در پشت سر من قرار گرفته بودند. همه ایتالیایی ها درست جلوی من بودند و من به خودم گفتم، "این خیلی عالی است، من دوست دارم چنین شرایطی هر چه سریع تر دوباره تکرار شود و من حاضرم بجنگم تا چنین وضعیتی مجدداً تکرار شود." من در اولین جام جهانی خودم به جدول شصت و چهار صعود کردم و آنجا بود که کاملاً گرفتار شدم و تمرینات خودم را خیلی سخت تر کردم. و در فصل بعد خوشبختانه برای همه جام های جهانی گزینش شدم.

یعنی اینکه در جمع ۱۲ نفر برتر آمریکا قرار گرفتید.

در واقع در آن زمان ۱۲ نفر برتر اول می توانستند به جام های جهانی و هشت نفر برتر می توانستند به مسابقات جایزه بزرگ بروند و من با اطمینان در جمع هشت نفر برتر قرار گرفتم و توانستم به همه مسابقات جایزه بزرگی که می خواستم نیز بروم.

صادقانه بگویم، کنار آنها بودن جالب بود اما بازی کردن با آنها آنچنان خاص به نظر نمی رسید. من این حس را داشتم که، **اگر می خواهید با کسی به رقابت بپردازید نباید از او یک بت بسازید، فقط باید روی پیست بروید و کار خود را انجام دهید.** وقتی در صف کنترل اسلحه بودم، بله واقعاً خیلی خوب بود، اما وقتی وارد پیست می شدم و با آنها روبرو می شدم، برخورد من رسمی می شد.



یعنی به اسم روی پشت بازیکن توجه نمی کردید.

بله دقیقاً. من تجربه ای از آن افراد از زمانی که آنها را در فیلم ها تماشا می کردم داشتم و مطمئناً برنامه بازی خودم را نیز داشتم، اما اگر هنگام بازی برای کسی احترام زیادی قائل شوید، مطمئناً برنده نخواهید شد.

آیا واقعاً می توانستید این واقعیت را نادیده بگیرید که حرکت های خود را از آنها آموخته اید و تاکتیک های خود را از آنها یاد گرفته اید و آنها برای شما پیکاسو بوده اند؟

بله، من بسیاری از این افراد را شکست دادم. این واقعاً دلگرم کننده بود که هنگام ورود به یک بازی برنامه ای داشته باشم و با شخصی که می داند من در مورد استراتژی و برنامه بازی او کارهایی انجام داده ام، بازی کنم و بتوانم او را ببرم. چیزهایی مثل این بسیار دلگرم کننده بود زیرا همیشه به خودم می گفتم که، "این استراتژی نتیجه می دهد! اگر به همین کار ادامه دهی، می توانی همه این افراد را مغلوب کنی."

بنابراین شما یک مثال زنده هستید که ثابت می کند که تجزیه و تحلیل ویدیوی واقعاً چگونه می تواند در بازی به یک نفر کمک کند.

من هم اینچنین فکر می کنم. مطمئناً بدون انجام چنین کاری هرگز نمی توانستم به چنین سطحی برسم که به آن رسیدم. آن بخش عظیمی از بازی مرا تشکیل داده بود.

## آموختن از طریق تجزیه و تحلیل

توصیه شما برای شمشیربازی های جوان که تازه شروع می کنند چیست؟ چگونه به آنها سفارش می کنید که به تمرینات خود بپردازند؟

قطعاً **اعتماد زیادی به مربی خود داشته باشید.** اگر احساس می کنید که نمی توانید به مربی خود اعتماد کنید احتمالاً با فرد اشتباهی کار می کنید یا طرز فکر اشتباهی دارید. هنگامی که به اندازه کافی شروع به درک شمشیربازی کردید و از تماشای آن توانستید چیزی از آن کسب

کنید، کسی را از بین فیلم‌ها انتخاب کنید که حرکاتش را دوست دارید انجام دهید و سعی کنید تا حد ممکن از او تقلید کنید. برای من، اولین دو فیلمی که ساختم، دو مورد اولی بودند که من سعی کردم از آنها تقلید کنم. این دو مورد ضدحمله لویز و دفاع‌های او، و به طور کلی اتک‌های مونتانو بود، و من حرکت‌های این دو بازیکن را تماشا می‌کردم. وقتی دفاع لویز و اتک مونتانو را تماشا می‌کردم، من واقعاً از این کارها بسیار لذت می‌بردم. من هنگام تماشای بسیاری از این حرکات‌ها تلاش می‌کردم بفهمم که چه عواملی باعث موفقیت آنها می‌شود و سعی می‌کردم آن کارها را تمرین کنم تا بتوانم آنها را هم انجام دهم.

کره‌ای‌ها مربیان خود را با دوربین به همه مسابقات می‌فرستادند و همه چیز ممکن را از گرم شدن گرفته تا بازی‌های مختلف را فیلمبرداری می‌کردند و سعی می‌کردند که هیچ لحظه‌ای را از قلم نیندازند. سپس آنها با تجزیه و تحلیل این ویدیوها توانستند خود را در جهان شمشیربازی مطرح کنند، و کشوری که هیچ سابقه و تاریخچه سنتی شمشیربازی مدرن را نداشت به مطرح‌ترین کشور امروز دنیا تبدیل شد.

آنها قطعاً همین کار را کردند و نتیجه هم داد. یک بار یکی از کره‌ای‌ها به من گفت که وقتی آنها شمشیربازی را یاد می‌گیرند، البته من فقط در مورد ساب‌صحت می‌کنم، او به من گفت که وقتی آنها ساب‌را یاد می‌گیرند به هیچ عنوان خود را درگیر آموزش **قانون حق تقدم** نمی‌کنند. تنها به آنها گفته می‌شود که، "این فیلم‌ها را تماشا کنید. ببینید برای ضربه زدن چه کاری را انجام می‌دهند. آنگاه شما هم همین کار را انجام دهید، مطمئن باشید که شما هم ضربه را خواهید زد." که از منظر منطق درست می‌باشد زیرا کتاب قانون ما از بسیاری جهات بسیار قدیمی است. در ساب‌هنوز یک قانون وجود دارد که می‌گوید، اگر هنگام اتک بازوی شما در زاویه ۱۳۵ درجه یا بیشتر باشد، در واقع حق تقدم از آن شما نخواهد بود.

این چه معنایی دارد؟ این قانون چیزی نیست که در بازی مهم باشد. من که یک زاویه سنج ندارم، من که نمی‌توانم چنین زاویه‌ای را چک کنم. من بازیکنی در مسابقات دانش‌آموزی داشتم که یک باز واقعا به من گفت، "خوب، آیا بازوی او زاویه‌ای بیشتر از ۱۳۵ درجه نداشت؟" من به او گفتم - شما در مورد چه چیزی صحبت می‌کنید؟ این مطلب اصلاً هیچ تاثیری در ورزش ما ندارد. قوانین ما باید آنچه را که در واقع در ورزش اتفاق می‌افتد منعکس کنند. کره‌ای‌ها با عدم توجه به آموختن قوانین، مجبور نیستند با چنین مسائلی کنار بیایند. آنها وادار می‌شوند که فنون رایج را بیاموزند و بس.



بگذارید به خاطر این مصاحبه از شما تشکر کنم. بسیار جالب و بسیار آموزشی بود. با تشکر فراوان از شما خواهش می‌کنم به همین کار ارزشمند، علی‌رغم بازده مالی پایین آن، ادامه دهید. امیدوارم که خوانندگان شما با دعوت مشترکان بیشتر در کانال **Cyrus of Chaos** یوتیوب، چند سنتی به افزایش درآمد شما کمک کنند.

از اینکه این فرصت را در اختیار من گذاشتید قدردانی می‌کنم.

از اندرو فیشل، معروف به **کوروش آشوبگر**، بخاطر صراحت و بینش واقعی وی در این ورزش بسیار سپاسگزارم. او یک گنج عالی برای شمشیربازان است و می‌دانیم که او با وقف کردن زندگی خود برای این ورزش، زندگی‌های بی‌شماری را متحول کرده است. این مقاله با تأیید وی در این وبلاگ چاپ می‌شود.

اگر تا به حال عضو کانال یوتیوب او نشده‌اید - فوراً عضو شوید! او را در اینستاگرام هم دنبال کنید. آن یک رسانه مجازی شگفت‌انگیز و الهام‌بخش در زمینه دانش شمشیربازی صرف می‌باشد.

**Igor Chirashnya**  
**Academy of Fencing Masters Blog**